

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهل و نهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ یک گروه کوچک از رزمندگان انقلابی به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل حمله کردند و آن را خلع سلاح کردند. این رویداد که خبر آن به سرعت به گوش همگان رسید، به پژواک درد و رنج میلیونها ایرانی که زیر تازیانه و شلاق دیکتاتوری شاه بودند تبدیل شد و به همین خاطر رویداد حماسی سیاهکل خود را همچون یک رستاخیز به ثبت رساند و در «آن دیار بی قراران» قرار همه مدافعان آزادی و برابری شد. با رستاخیز سیاهکل جنبش نوین کمونیستی ایران از خاکستر خود سربرآورد و نام سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رسید.

سازندگان حماسه سیاهکل پس از چند سال کار تدارکاتی وارد کارزاری شدند که صف بندی بین انقلاب و استبداد را قطعیت بخشید و مرز روشنی با هرگونه طمع ورزی و سالوس صفتی اپورتونیستها ترسیم کرد. رزمندگان حماسه سیاهکل می دانستند که در چه راه پرفراز و نشیبی گام گذاشته اند و آماده بودند تا هزینه تصمیم خود را بپردازند. آنان می دانستند در راهی که برگزیده اند هیچ تقدسی وجود ندارد. آنچه که آنها را پیش می برد، نیروی انسانیت و عشق به رهایی و برابری بود.

رستاخیز سیاهکل گرچه با معیارهای نظامی عملیاتی کوچک بود، اما همین اقدام موج بزرگی را به جنبش درآورد که نه فقط دیکتاتوری شاه را به وحشت انداخت، بلکه همه پوششهای تئوریک که بی عملی را در پس خود پنهان می کرد و همه مصلحت جوییهای رایج که بر پیکر کمونیستها همچون اختاپوس چنگ انداخته بود را از هم درید و همزمان با جنگ تمام عیار علیه دیکتاتوری، سیمای کریه فرصت طلبان عافیت جو را افشا کرد.

همین کوله بار سرشار از عشق به آزادی و عدالت بود که دغدغه های زنان و مردان آزادیخواه و کمونیست را از سر راه برداشت و موجب تکثیر «آفتابکاران جنگل» شد.

در ۴۹ سال گذشته جا به جای ایران زمین، هرگاه فرزندان «آفتاب و باد» برای رهایی، دموکراسی و عدالت دست به خیزش و قیام زدند، سرود آفتابکاران جنگل را سر دادند.

در واکنش به رستاخیز سیاهکل، محمد رضا شاه مانند همه دیکتاتورها نخواست و نتوانست که ندای جوانان آزادیخواه را تحمل کند و به سرکوبی گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی فرمایشی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه اعدام سپرده شدند.

این کشتار ددمنشانه با موجی از انزجار و تنفر روبرو شد و برجسته ترین شاعران، نویسندگان، هنرمندان آزادیخواه و پیشرو ترین زنان و مردانی که قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، از جنبش پیشتاز فدایی به اشکال مختلف حمایت کردند و خونی که از پیکر چریکهای فدایی بر زمین ریخته شد، بذر شورش و خیزش فرودستان و سرکوب شدگان را پراکند.

ما هر سال واکنش شاه و خمینی به جنبشی که با حماسه سیاهکل آغاز شد را تکرار می کنیم تا اهمیت و نقش این رویداد در تاریخ ایران معاصر را نشان دهیم.

اسدالله غلم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنهای تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازبها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» موضع خمینی آن چنان ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ

رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

خمینی با شم ارتجاعی خود به خوبی از خطراتی که جنبش مسلحانه دوران شاه نهضت ارتجاعی و منفعل او را تهدید می کرد، آگاه بود و برای همین مدت کوتاهی پس از به دست گرفتن قدرت، سپاه پاسداران را ابتدا در ۹ اسفند ۱۳۵۷ به عنوان بخشی از دولت و سپس در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به عنوان یک نیروی مستقل، در اساس برای مقابله با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران بنیاد نهاد. در این مورد پاسدار علیرضا افشار، سرکرده گروه پژوهشی دانشگاه عالی دفاع رژیم، در مصاحبه با تلویزیون حکومتی جام جم گفت: «در عرصه امنیت که اون ابتدا قبل از جنگ تحمیلی ما ناامنیهایی داشتیم، سپاه بیشتر در اون رابطه شکل گرفت برای مقابله با گروهکهای ضدانقلابی که حالا چریکهای فدایی خلق، مجاهدین خلق که اسلحه به دست گرفته بودند و ترورهای وسیعی انجام می دادند.»

خروش آبان ماه ۱۳۹۸ و مواضع ما

پس از قیام قدرتمند تهیدستان در دی ماه ۱۳۹۶ در بیش از ۱۵۰ شهر، تضاد توده های مردم با دیکتاتوری حاکم افزایش بی سابقه ای پیدا کرد. در سال ۱۳۹۷ جامعه ایران در تب و تاب تغییر و تحول شعله ور بود. در آن سال شاهد ۹۴۷۳ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار و ۲۴۳ حرکت اعتراضی از جانب دانشجویان بودیم که اخبار آن در ماهنامه «نبرد خلق» و سایر رسانه های سازمان ما منتشر شده است.

دو مولفه مهم در جامعه همچنان بر شرایط سیاسی حکم می راند: حکومت قادر نیست به شکل گذشته حکمرانی کند و مردم نیز نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. در نیمه اول سال گذشته جامعه سرشار از جوش و خروش بود و سرانجام در هفته آخر آبان ماه با افزایش ناگهانی و اعلام نشده بهای بنزین، افشار گوناگون جامعه را به واکنش واداشت. از شامگاه روز جمعه ۲۴ آبان خیزش مردمی با شتاب سراسر کشور را درنوردید. رژیم در هراس از سرنگونی از روز شنبه ۲۵ آبان، دسترسی به شبکه اینترنت را در سراسر ایران قطع کرد.

قیام دلاورانه زنان و مردان ایران زمین طی ۶ شبانه روز اساس نظام بیدادگر ولایت فقیه را با تمامی دسته بندیها و باندهای درونی آن به لرزه درآورد. از خوزستان تا خراسان، از کردستان تا لرستان، از بلوچستان تا آذربایجان، از کلان شهرهایی چون تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، کرمانشاه، کرج، اهواز، سنندج، مشهد، رشت و ... تا شهرهای کوچک و بزرگ همه استانهای کشور، فرودستان، تهیدستان، به حاشیه رانده شدگان، کارگران، دانشجویان و جوانان «نظم فرتوت و ارتجاعی حاکم را به چالش کشیده و بلوغ کم نظیر بحران و شرایط انقلابی را با فریاد و خون خود در برابر چشم و گوش همگان قرار دادند. هنگامی که عمق استراتژیک جمهوری اسلامی زیر ضربه های جنبشهای سترگ مردم عراق و لبنان و می رود، در کانون ام القراء، انقلاب علیه باندهای فاسد و تبهکار و برای رهایی با گامهای بلند خود خیابانهای شهرهای میهن را درنوردیده و دستان پرتوان خلق بپاخاسته با خون و آتش و سرشار از شور رهایی، تاریخ خود را می نویسند.» (بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون قیام پرتوان مردم ایران علیه تبهکاران حاکم، چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۹)

در بامداد روز یکشنبه ۲۶ آبان، خامنه ای از منبر «درس خارج»، فرمان سرکوب بی دنده و ترمز صادر کرد و بر طبق اخبار موثقی که تاکنون منتشر شده، دستکم ۱۵۰۰ تن در این خیزشها و یا در بازجوییهای پس از بازداشت به شهادت رسیده و بیش از ۲۰ هزار تن بازداشت و یا مجروح شده اند.

جمعبندی ما از قیام سترگ آبان چنین بود:

«۱- بحران و شرایط انقلابی وارد مرحله جدیدی شده و رژیم حاکم بر ایران با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن در مرکز مشکلات و دشواریهای مردم ایران قرار دارد و منبع تضاد منحنی است که کرامت، ارزشها و غرور آنها را لگدمال می کند. جامعه یک بار دیگر و این بار با توان بیشتر برای تغییر بنیادی این شرایط به پا خواسته است.

۲- قیامهای چند روز گذشته و صدها حرکت اعتراضی طی یک سال گذشته نشان داد که بر خلاف دیدگاه برخی از گروهها و شخصیتهای سیاسی، تحریم و فشار خارجی نه مردم را گوشه نشین و منفعل می کند و نه آنان را در کنار استبداد مذهبی حاکم قرار می دهد.

۳- قیام با وجود سرکوب بیرحمانه و ارتکاب جنایت جنگی علیه شهروندان غیرمسلح، با قدرت به پیش می رود. رژیم به تله افتاده است، گریبان او را نباید رها کرد و باید درهم کوبیدش. در میدان این مبارزه، نفس هر کس که بلندتر است، پیروزی از آن اوست و ایستادگی جانانه مردم دلیر ایران در برابر ماشین سرکوب، در حال از نفس انداختن رژیم فرتوت ولایت فقیه است ... پس به پیش، به پیش!»

خروجی تشدید بحران خارجی، کلان ضربه به نظام

ولی فقیه نظام برای مهار بحران انقلابی داخلی و برای به بیراهه کشاندن انقلاب مردم عراق و لبنان به تشدید بحران خارجی رو آورد و دست به یک رشته تنشهای نظامی در عراق علیه آمریکا زد که در انتها به هلاکت پاسدار قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس انجامید. پس از این کلان ضربه، کارگزاران سیاسی و امنیتی رژیم، آمریکا را تهدید به «انتقام سخت» کردند. ابتدا با به راه انداختن نمایش جنازه گردانی کوشش کردند با صرف هزینه های کلان ضربه خیزش آبان و هلاکت قاسم سلیمانی را با مرده سواری ترمیم کنند. نمایش خاکسپاری جنازه سلیمانی تبهکار منجر به یک فاجعه انسانی دیگر در کرمان شد که دهها تن در ازدحام ساخته و پرداخته شده جان خود را از دست دادند و تعداد بیشتری مجروح شدند. همزمان، سپاه پاسداران در همان هنگامی که موشک بی خطر و اثر به طرف آمریکا پرتاب می کرد، یک هواپیمای مسافربری را سرنگون کرد و جان ۱۶۷ مسافر و ۹ خدمه آن را گرفت. پنهانکاری ۷۲ ساعته حاکمیت و اعتراف به آن پس از فشارهای داخلی و بین المللی، خشم و نفرت جامعه را برانگیخت. دانشجویان که در ۱۶ آذر و در سراسر کشور علیه کل نظام بپاخاسته بودند، این بار هم همراه مردم قیام کردند. خروش دانشجویان دانشگاههای تهران به سرعت مورد حمایت مردم، دستکم ۲۰ شهر و در دهها مکان قرار گرفت و طی چهار روز زنان و مردان آزادیخواه، ولایت، ولی فقیه و قاسم اش را شستند و آویزان کردند.

توده برخاسته برخلاف ادعای کسانی که به بهانه کشته شدن یکی از جنایتکارترین سرکردگان سپاه و با توجیه «خطر جنگ»، به شکلی مضحک (مستقیم و در لفافه) به سود رژیم تبلیغ و ترویج می کردند، طی چهار روز خیزش و جنبش، تمام هیاهوی توخالی این معرکه گیری مضحک را در غریب شعارهای خود محو کرد.

مردم فریاد می زدند: «مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر اصل ولایت فقیه/ جمهوری اسلامی نمی خواهیم/ نمی خواهیم/ خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/ سپاه جنایت می کند، رهبر حمایت می کند/ دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی/ دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست/ سلیمانی قاتله، رهبرشم خائنه/ مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت/ مرگ بر خامنه ای/ ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما و ...» بدین ترتیب «تدبیر» تشدید بحران خارجی به «تنبیه» بی سابقه رژیم جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای تبدیل شد.

تشدید جدال در هرَم قدرت

در سال گذشته به موازات تعمیق و اعتلای انقلابی و گسترش خیزشهای مردمی، تضادهای درونی در هرَم قدرت شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرد. جدال بین باندهای درونی رژیم بر سر کنوانسیونهای مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) و مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پالمو)، جدال بین باند روحانی با شورای نگهبان گوش به فرمان خامنه ای، مساله به اصطلاح مبارزه با «چپاولگران» اموال عمومی و ... از جمله مواردی است که باندهای درون حاکمیت بر سر آن تضاد واقعی دارند. این تضادها تا کنون تحت تاثیر وحدتی که این باندها پیرامون سرکوب مردم و مهار جنبش براندازی دارند، تعیین تکلیف نشده است. نقشه راه خامنه ای با عنوان «جوان گرایی» که با برگماری یک جلاد و قاتل در راس قوه فاسد قضاییه کلید خورد، به احتمال زیاد به قلع و قمع باند موسوم به «اعتدال» و زائده به اصطلاح «اصلاح طلب» آن در شعبده بازی انتخابات یازدهمین دوره مجلس در روز ۲ اسفند امسال ختم می شود. پس از آن خامنه ای درصدد است تا یک غلام حلقه بگوش خود را که هوای یایگیری احمدی نژاد به سرش نزند، با یک نمایش قلابی به مسند ریاست جمهوری برگمارد.

بدیهی است که هرچه خامنه ای به عنوان فرد اول نظام می خواهد، نمی تواند به طور صددرصد عملی کند. ریزش از بدنه رژیم، توازن قوا را به طور مداوم تغییر می دهد. مهمتر از آن وجود بحران انقلابی و قیامهای مردمی است که می تواند تمام نقشه های خامنه ای به طور خاص و برنامه های کل نظام به طور عام را برهم زند.

زنان و مردان آزادیخواه!

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز پنجاهمین سال تولد خود با ابراز خرسندی از رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان، همچنان به مبارزه تا رسیدن به دنیایی عاری از ستم، تبعیض و استثمار و برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسیتی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت ادامه می دهد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند، گرامی می دارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شهادت بیش از ۱۵۰۰ تن از قیام کنندگان آبان ماه، جان باختن ۱۷۶ تن از سرنشینان هواپیمای اوکراینی و کشته شدن نزدیک به ۷۰ تن از مردم کرمان در کارناوال مرده سواری قاسم سلیمانی و ... را به خانواده و بستگان آنان و به مردم ایران تسلیت می گوید و از مجامع بین المللی می خواهد که در همکاری با دولتهای کانادا و اوکراین به رژیم ایران برای دست برداشتن از پنهانکاری و ارسال جعبه سیاه هواپیما به اوکراین فشار مکفی و عملی وارد کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همبستگی خود را با قیام مردم عراق و لبنان اعلام کرده و با گرامیداشت خاطره شهدای جنبش آزادی خواهی مردم این دو کشور، فقدان آنان را به خانواده و به مردم لبنان و عراق تسلیت می گوید.

مواضع ما پیرامون شرایط کنونی شفاف و صریح است و همان گونه که در بیانیه ها و گزارشهای سیاسی اعلام شده، ما این شرایط را «وضعیت انقلابی» ارزیابی کرده ایم.

به گمان ما «ستیز توده ها با حاکمیت در تمامیت آن، تضاد بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی، تضاد بین مناسبات بورژوازی حاکم با روبنای ناسازگار سیاسی (استبداد دینی) و تضاد نظام جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر (آمریکا، اروپا و خاورمیانه) شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرده است. در تاریخ صد ساله کشور ما، هیچگاه تضادهای اساسی جامعه به این میزان عمیق و درهم تنیده نبوده است» و بنابراین تاکید کرده ایم: «ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبررسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و ... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.»

خواست اولیه و مقدم مردم ایران، سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک و استقرار یک نظام دمکراتیک و عرفی است.

ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه های نیروهای کار را به پشتیبانی از مبارزه و مقاومت مردم ایران فرامی خوانیم و از همه کشورهای جهان می خواهیم که کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان را به رسمیت شناسند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یازدهمین دوره شعبده بازی انتخابات مجلس ارتجاع را تحریم کرده و تبلیغ و شرکت در این نمایش ضد مردمی را علیه منافع مردم ایران می داند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سه شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۸ - ۴ فوریه ۲۰۲۰

